

در اطراف رئیسه دولت

تو نون گرگاهی گلستان قریب شدند از آن لذت است که بات قیمت عادله ای برای
آن گذاشتند خود آنها سعادت کا شد میز و ربانست شته اید نهایت
نون کاری کردند و آنها زمین را در جهه اشکانیان ادارد.
آنوات دوست شدند بقیه از تو نون کاران گلستان نامه داشتند
که این فروشند. چندی تبلیغ کردند از تو نون کاران گلستان به دست
آن تو نونی که از مردم و بسیارکار درست شد نیست. سکارگش و مهران برای
فرستادند و انصراف بازداشت کاری میگشاند و بدوار و هدایت گلستان
آن قریب شدند و انصراف بازداشت کاری میگشانند و بدوار و هدایت گلستان

در موضوع نوگان هم بعدها همین کار را مکرر دید جیب بگمده از شد
دمو که از آن زندگی میگذرند ازین پرونده و به ایک سیاه می نشینند
این پیشنهاد در عملکلت ما باعث نگاه پانجه زدن کاری بودم این رسید

برای اجازه‌مندی دادن کوک در خیابان و بیان ازدایی بیش نویزه دوا خانه و
و هر دکان دیگر هر قرن فرشی باشد تا دوست شما بیان فروشی را
که مدد است و اکنون برای طبیعت روشن شدای سایه کمده مفهومی بهزند و
نمی‌خواهند زیر هر دکانی این ایام ایمان ایمان ایمان ایمان ایمان ایمان
که ردمی‌خودیدند بخوبی که مفتاد است دیگران را می‌نمایند

ازین عمل براي آن آمدست که مملکت ايران باید ازین بروج چارا و شیرپه روايي به ديد آفتابگاهي را با همراه برويم میبايس آباد با من شریفه که ملاحظه کنند. در شیره کش خانه ها مردم را بیرون و اشانه اند اين وزرا های ساق نان دمکاری را مدنام گردیده مردم دارون از

سی هزار میلیون و میصدھر همین است خواهانه بکار رواند و همان دیگران از ایران و ملت ایران را آمیز بگذر و هر کار و هر بالان را که میتواند بجهش شان شود در موسم حکومت تان آن قای سادع در آن مرغی که ملت ایران را زده کوئم ایام پیارچه نداشت نهدید نزد پیارچه برشیدن دادید

از اینجا آغاز شد و در این میان دوست عزیز خواهرانی که از اینجا آغاز شد، بزرگ شدند و در اینجا زاده شدند. این دوست عزیز خواهرانی که از اینجا آغاز شدند، بزرگ شدند و در اینجا زاده شدند.

شایستگان را کردید ملت ایران آنها را فراموش نموده اند که در بالاترین سطح از دولت

کلابت می کنند که با ذوزر سر زیره آنها و از شامآزادی برخون می دهند اند

شرکت اب فیروز گلاد چیز دیگر نیست؟

شنبه‌هایم آفایه در نظر دارد بگلک اخوی خودو چند نظر از مقاطعه
دکان جدیدی باز کرده باس آپلار و هاجرود و ترازوی اوی برق و غیره کلاه
بوران را بردارنده مطابق میگویند خود مزرسین هم میدانند این کار علی
آن، نظرخان فروش سمه و سده، بازد و استغفار و الاءه داده است

فایل آوجه کارگران شهرداری تبریز، هم‌روزه و در تهیه این سرویس‌ها می‌توانند از این شرکت جمع شده‌اند یا پیشتر مقاطعه کارائی هستند که دو انتظام‌گیرکاری در این شرکت ممکن است باشند.

درجهه مورخ ۱۷/۶/۲۳ ماهه انتخابیه کارگران شهرداری استاندار مدارک موجود دربرونده علی اکبر بایانی را بواسطه خبات بکار گرفت.

شورا داری و ملکیت باشدان کارگران هر کارگران
شورا داری احادیث احادیث کارگران هر دوادی
اخرج شده است و از این سه هر کارگران
نشست بنوان کارگران پسنداد خالی از
مخفیت و ابریوسه غافله های شخصی
خواهد بود و
انداده کرگران هر دوادی

شرکت آب فیروز کلاه

شنبدها بام آفای اینهاج در نظر دارد بگلک اخواه خودو چند نظر از مقاطعه

دکان جدیدی باز کرده باشم آبلار و چاهروند و تراووهای برق و غیره کلاه
پوران را بردارند مطابق میگویند خودنمایی هم بیانند این کار عملی
باشد. نظرشان فروش سوم و سفته بازی و اختنکار و کلاه بزداشتی است

فایل آوجه کارگران شهرداری تبریز، هم‌روزه و در تهیه این سوابق مذکور شده، از این‌جا برای این اصحاب‌بیکه در این شرکت جمع شده‌اند پیشتر مقاطعه کاراگی هستند که دو تبریز و هومی آزموده و معتبر شده‌اند.

در جلد «مورخ» ۲۱ اردیبهشت
عامله اتحادیه کارگران شهرداری استاندارد
مدارک موجود در پرونده های اکبر
با ایالی وابوسطه ثباتات بکار گران

شورا داری و ملکیت باشدان کارگران هر کارگران
شورا داری احادیث احادیث کارگران هر دوادی
اخرج شده است و از این سه هر کارگران
نشست بنوان کارگران پسنداد خالی از
مخفیت و ابریوسه غافله های شخصی
خواهد بود و
انداده کارگران هر دوادی

نامه سرگشاده

۱۰۷

چهار نگفیر سر خودشان خواهد خورد

قبل وغارت و دن و هوش
نمایند. اگر واقعاً می‌دانست اینها باید
بکشند این بود: زنده: زنده: زنده: زنده:
بی‌زدن: زنده: زنده: زنده: زنده: زنده:
بی‌زدن: زنده: زنده: زنده: زنده: زنده:
بی‌زدن: زنده: زنده: زنده: زنده: زنده:
دردم و دن: زنده: زنده: زنده: زنده:
از دل و غارت و شدن: زنده: زنده: زنده:
سلمان: سلمان: سلمان: سلمان: سلمان:
هن: کفر: باز: بر: دستان: دستان: دستان:
البته: کشور: اسلام: اسلام: اسلام:
ولی: اسلام: اول: اسلام: اسلام: اسلام:
کس: که: بر: پر: است: اسلام: کشور: اسلام:
مرز: مرز: مرز: مرز: مرز: مرز: مرز:
محل: محل: محل: محل: محل: محل: محل:
دیگر: آن: که: گذشت: که: یا:
خواست: خواست: خواست: خواست: خواست:
می‌گفت: ام: ام: ام: ام: ام: ام:
منکت: ام: ام: ام: ام: ام: ام:
قاآونی: است: قاآونی: است: قاآونی:
اسماوی: را: بقول: و تر: گردید: المختار:
اسماوی: بقول: و تر: گردید: المختار:
آزاد: ام: ام: ام: ام: ام: ام:

سده گلستان نقش و میراث

10

ازدیسی که همه ازوادان دیدن
بظره ممکن بود از قتل دکتر
پفرخ، و خان بایانی اسمه و
بیوهات مردم بیکنده ایکشتن ده
با آرزوی خودنشاهید رسید و چهان ده

بُر خودتَان تَوَاهِد خورَد . ش و ساپرَن بَی اطلاع باشد .

آخر أرض شهداء

کارگران و زمینکاران که
 اعضا حزب نو و انتاده به خود گردیدند از پیش مجهز بایات کار
 دیدند و در آن روز و در همان راه
 بود که شورخانی که بعده از کارگران
 که بهترین سکرمان و بدمت ۵
 از اینجا یعنی چوت چهل هزار شده بود
 و قاتلین خود کارگران از انجازات
 اینها
 بدن و سبله اولیای اینها امداد راه
 هر اوقات و خوش و عکسیں امداد همیا
 مینهایان و منظیریم که فوری
 کارگران شدیداً بکسریه اهل خود بر
 عروض خودان هم میداشتند چه کسانی
 که کند که آن روزه زدنان بود که
 اینها قول میدهم اگر ایشانرا
 شهادت کنند اینها میخواهند و مرتبت رام
 روش کش ایند تو قیق و بکند استاد
 ایشان را که بعد و شهادت براي اینها
 شان پیدا خواهد دهد

مندویت برز خود را چهار چند
مندیان امر خواهد بود. دشنا
کار گزین و روزت کشان گلگان از از
که باهای غیره غرور آذربایجان را:
و د کاری کاری آذربایجانه فرق
خشکنی و بر آشته بوده لازم
نمیزد و زدن اولیاتی امور
ملت باشند اما همان روزهایی بر
کهنه، ایالی کلگان حرب تقدیم
باشند و میخواهند که این روزهای
است اثنا هشتاد و هشت کارهای
جهه هنای تکاری نو انسانی از
آنون را فراز کرد و از سمعت ازدی
آنون اسماز مکار استفاده نمیکنند
اما هزار پیکر سند و دلیل هستند.
اکنون اسماز اراده کتری فروه
اسماز باخواهی هم میگیرند و میگویند: بدی
اک درستی اید و بروه

نحو وی نوی

卷之三

ادریس ایجاد شده در

لار، کو آرڈنیشنز

卷之三

ذیل اور آنڈہ تینی بیکنڈ

مجزئی دو امت رائے

卷之三

卷之三